

کویر

نویسنده: دکتر علی شریعتی

سرشناسه	: شریعتی، علی، ۱۳۱۳ - ۱۳۵۶.
عنوان و نام پدیدآور	: کویر / نویسنده علی شریعتی.
مشخصات نشر	: تهران: چاپخش، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۴۱-۶۳-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: مقاله‌های فارسی - قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ی ۹۱ ش ۷/۱۳۳ BP
رده‌بندی دیوپی	: ۲۹۷/۲۸
رده‌بندی کتابشناسی ملی	: ۲۰۹۷۰۹۳

به نام خدا

کویر

نویسنده: دکتر علی شریعتی

حروفچینی: مؤسسه بروجردی - لیتوگرافی: الوان

چاپ و صحافی: پژمان - نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹ - شمارگان: ۳۱۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات چاپخش

ناشر برگزیده و عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی

نشانی: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲ تلفن: ۶۴۰۲۱۱۰ فاکس: ۶۴۴۹۲۲۷۵

صندوق پستی: ۱۷۲۷-۱۳۱۴۵

کلیه حقوق محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۴۱-۶۳-۵

مقدمه

در فراز به تاریخ، از هراس تنهایی در حال، برادران عین‌القضات را یافتم که در آغاز شکفتن - به جرم آگاهی و احساس و گستاخی اندیشه - در سی و سه سالگی، شمع آجینش کردند! که در روزگار جهل، شعور، خود، جرم است و در جمع مستضعفان و زبونان، بلندی روح و دلیری دل، و در سرزمین غدیرها - به تعبیر بودا - «خود جزیره بودن» (اوپا) گناهی نابخشودنی است. بسیار بوده است که «بث الشکوی» از خویش را می‌خوانده‌ام و می‌یافته‌ام که برادران عین‌القضات نوشته، آن چنان‌که این نوشته را در «بث الشکوی»‌های او خواندم و چنین یافتم که من نوشته‌ام - که «خویشاوندی»، خود، «یکدیگری» دو «خویشاوند» است - و اینک مقدمه‌ی او، بر کویر من و بر من، در کویر:

«هرچه می‌نویسم پنداری دلم خوش نیست و بیشتر آنچه در این روزها نبشتم همه آن است که یقین ندانم که نبشتمش بهتر است از نانبشتمش.

ای دوست نه هرچه درست و صواب بود، روا بود که بگویند... و

نباید که در بحری افکنم خود را که ساحلش بدید نبود، و چیزها نویسم بی «خود» که چون «واخود» آیم بر آن پشیمان باشم و رنجور. ای دوست می ترسم - و جای ترس است - از مکر سرنوشت... حقا، و به حرمت دوستی، که نمی دانم که این که می نویسم راه «سعادت» است که می روم، یا راه شقاوت؟

و حقا، که نمی دانم که این که نبشتم «طاعت» است یا «معصیت»؟ کاشکی، یکبارگی، نادانی شدمی تا، از خود، خلاصی یافتمی! چون در حرکت و سکون چیزی نویسم، رنجور شوم از آن به غایت! و چون در معاملت راه خدا چیزی نویسم، هم رنجور شوم؛ چون احوال عاشقان نویسم شاید،

چون احوال عاقلان نویسم، هم، شاید؛

و هرچه نویسم هم شاید؛

و هرچه ننویسم هم شاید؛

و اگر گویم شاید؛

و اگر خاموش گردم هم شاید؛

و اگر این واگویم شاید و اگر وانگویم هم شاید...

... و اگر خاموش شوم هم شاید!

(رساله‌ی عشق)